

با رجوع وجودی و قلبی به دین خدا، راه قدم‌زدن در بواطن آن دین آغاز می‌شود

شماره پرسش: ۱۶۷۷۵

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۵/۴/۲۲ ۲۳:۱۴:۰۱

متن پرسش

سلام علیکم: خدا را سپاس می‌گویم که باب آشنایی با شما و زبان شما را بر ما گشود. استاد عزیزم نمی‌دانم چطور باید شور و شعف حاصل از سخنان شما در رابطه با بحث «رسالة الولایه» را چه در اعتکاف پارسال و چه امسال به زبان بیاورم خیلی دوست داشتم می‌توانستم قصه این شکفتگی را به شکلی به شما عرض کنم تا از این راه ذره‌ای از سختی‌های بسیاری که شما برای متذکر کردن همچون منی به چنین عالم عظیمی می‌کشید را قدردانی کرده باشم و شاید همین تلاش ناممکن برای بیان آنچه که در ارتباط با «وجود» بر قلب حقیر می‌گذرد بیش از پیش مرا به شدت سختی و عظمت کار شما واقف می‌کند. بسیار اتفاق می‌افتد که در طول شنیدن این مباحث از شدت شعف توان ادامه دادن را از دست می‌دهم و بحث را رها می‌کنم و در سکوت عجیبی به نظاره عالمی از نور فرو می‌روم. خودم را گم می‌کنم، زمان را ایستاده می‌بینم و با همه اشیا احساس یگانگی می‌کنم البته نمی‌دانم که آیا واقعا این حالات ثمره ارتباط با وجود است یا شاید خیالاتی می‌شوم! اما می‌دانم که شادی، رهایی و آرامشی که در این اوقات هست را با هیچ حالتی در زندگی معمولی و حتی عبادات معمولی نمی‌توانم مقایسه کنم. مثل عبور از دری که یک طرفش کویر باشد و آن طرف باغی بی‌انتها. مشکلی که مدام با آن برخورد می‌کنم این است که این باغ را تا پیدا می‌کنم گم می‌شود! نمی‌دانم چطور می‌توانم به این رابطه تداوم بدهم انگار وقتی این باغ رخ می‌نماید آن قدر مست می‌شوم که نمی‌توانم در آن بمانم و فوراً مثل بیدار شدن از رویایی خودم را دوباره در همین دنیای محسوسات می‌بینم. لطفاً ما را برای تداوم این ارتباط راهنمایی کنید. در بحث اعتکاف امسال فرمودید که از این به بعد فقط با همین زبان با ما سخن خواهید گفت. خدا می‌داند که این کلام چه بشارت بزرگی برای بنده بود؛ همان چیزی که مدام قلبم طلب می‌کند یعنی ارتباط با ذکر که بتواند قلب را مدام به وجود متذکر کند و امروز آن ذکر را در کلام شما پیدا می‌کنم. خدا شما را حفظ کند و دریچه‌های فهم بیشتر کلام شما را بر ما گشوده تر نماید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همه می‌دانیم که دین پیامبر خدا بطن‌ها دارد و مسلّم با رجوع وجودی و قلبی به دین خدا، راه قدم‌زدن در بواطن آن دین آغاز می‌شود زیرا از محدوده‌ی ماهیات و مفاهیم، به گلستان وجود و حقایق، راه گشوده می‌گردد. البته: «تا خون نکنی دیده و دل پنجه سال / از قال تو را ره نمایند به حال» در این رابطه پیشنهاد غور در کتاب «معرفتِ نفس و حشر» را فراموش نکنید.

